

## آسیب شناسی نظام ارزیابی و تضمین کیفیت دانشگاهها و چالشهای پیش رو

محمود ثابت دیزاوندی<sup>۱</sup>

### چکیده:

آموزش عالی ایران در دهه های گذشته با چالشها و مسائل فراوانی مواجه بوده است. تجربه جهانی نشان می دهد که رشد و گسترش کمی آموزش، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به دلیل فقدان امکانات مهارتی، مالی و کالبدی لازم، منجر به افت کیفیت آموزش و پژوهش می شود. با این حال اصلاح یا تغییر و نوآوری در نظام آموزش عالی کشور، نیازمند تحلیل راهبردی و بررسی دقیق و عمیق سیاستها و برنامه های کلان و شناسایی نقاط قوت و ضعف و چالشها و فرصتهای آن در سطوح مختلف آموزش عالی است. در آسیب شناسی نظام ارزیابی و تضمین کیفیت، برنامه ریزان و سیاست گذاران آموزش عالی با مطالعه، بررسی و ارزیابی سیاستها، خط مشی ها و راهبردهای آموزش عالی قادر می شوند تا به بازنگری، اصلاح و یا خلق و تدوین برنامه های جدید مبادرت نمایند. به همین دلیل شناخت نقاط قوت و ضعف نظام آموزش عالی و چالشهای پیش روی آن در نظام تضمین کیفیت و بهبود عملکرد نقش اساسی خواهد داشت. این مقاله با بررسی مسأله عملکرد نظام آموزشی عالی به دغدغه بهبود کیفیت در نظامهای آموزش عالی پرداخته و ضمن برشمردن تجارب جهانی و بین المللی در ارزیابی تضمین کیفیت آموزش عالی مهمترین چالشهای فعلی و پیش روی نظام آموزش عالی ایران را بر شمرده و به تبیین مسأله و آسیب شناسی نظام آموزش عالی خواهد پرداخت.

**کلمات کلیدی:** نظام آموزش عالی، تضمین کیفیت، آسیب شناسی، ارزیابی

۱- نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی پایدار، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان، شهرستان باوی، استان خوزستان ایمیل: [msd\\_sabet@yahoo.com](mailto:msd_sabet@yahoo.com)

## ۱- مقدمه

آموزش عالی ایران در دهه های گذشته با چالشها و مسائل فراوانی مواجه بوده است. در بعد بین المللی، جهانی شدن و دانش محور شدن اقتصاد، نفوذ فناوری های اطلاعات و ارتباطات به دانشگاهها و در بعد داخلی گسترش کمی و کیفی دانشگاه ها، کثرت مؤسسات آموزشی و پژوهشی، افزایش تعداد دانشجویان و به تبع آن افزایش تعداد دانش آموختگان از جمله چالشهایی هستند که نظام آموزش عالی ایران با آن مواجه است. گسترش کمی نظام آموزش عالی ایران بدون توجه به ظرفیت های موجود و توان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه امکان پذیر نخواهد بود و لزوم تعهد و مسئولیت پذیری در نظام آموزش عالی ایران را از طرف همه ذینفعان آن خواستار بوده و نظام دانشگاهی را وادار به باز اندیشی در ساختار، رسالت، اهداف، کارکردها و فرایندهای خود نموده است. این موارد می تواند بر نظام آموزش عالی کشور تأثیر دوگانه ای داشته باشند؛ از یک سو، در صورت تشخیص فرصت ها و پی بردن به قوت ها، دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی می توانند نارسایی ها و نقاط ضعف خود را کاهش دهند و موجب پیشرفت های علمی و توسعه جامعه شوند و از سوی دیگر، در صورت تشخیص ندادن فرصت ها و ناشناخته ماندن نارسایی ها و ضعف های گذشته، دانشگاه های کشور در وضعیت سکون قرار خواهند

گرفت که فاصله موجود میان خود و دانشگاه‌های سایر کشورها را از نظر پیشرفت علمی تشدید خواهند کرد. با توجه به مطالب فوق، اندیشیدن درباره تجربه گذشته آموزش عالی در ایران، تضمین کیفیت و ظرفیت‌سازی برای ارتقای آن ضرورت دارد و در این راستا، دانشگاه به عنوان سازمان یادگیرنده، باید به اندیشیدن درباره تجربه‌های گذشته خود و تنظیم آموزش برای دستیابی به کیفیت مطلوب بپردازد. به همین دلیل شناخت نقاط قوت و ضعف نظام ارزیابی آموزش عالی و چالش‌های پیش روی آن در تضمین کیفیت و بهبود عملکرد آن نقش اساسی خواهد داشت.

## ۲- مسأله اصلی عملکرد نظام آموزشی عالی

تجربه جهانی نشان می‌دهد که رشد و گسترش کمی آموزش، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، به دلیل فقدان امکانات مهارتی، مالی و کالبدی لازم، منجر به افت کیفیت آموزش می‌شود. لذا، برنامه‌های آموزشی، مواد و محتوای درسی و همچنین فرایندها و روش‌های یاددهی-یادگیری آموزش عالی با ویژگی‌ها، گرایش‌ها و واقعیات فرهنگ بومی و مقتضات عصر جهانی شدن فاصله دارند. از این رو، میان رسالت و کارکرد فرهنگ‌سازی نظام آموزش عالی و عملکرد موجود آن، شکاف افتاده است. از جمله مطالعات انجام شده در ایران در بین دانشجویان و اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی نشان می‌دهد که جامعه آموزشی کشور به ویژه اجتماع دانشگاهی، قادر به درونی‌سازی و انتقال ارزش‌ها و هنجارهای آموزشی کشور به فضاهایی پویا و محرک برای کنش و فراکنش فرهنگی و ارتباطی نیستند. این در حالی است که در فضاهای آموزشی و فرهنگی، تعاملات محیطی و ارتباطی نقش محوری را بر عملکرد فرد در سازمان دارند (خورسندی، ۱۳۸۶). همچنین روحیه مدرک‌گرایی حاکم بر تفکر دانشجویان نمی‌تواند زمینه ساز توأم

ساختن آموزش با پژوهش گردد؛ خصوصاً که عوامل برون سیستمی (اقتصادی، اجتماعی و...) امکان صرف وقت در این زمینه را کاهش می دهند (یمینی دوزی، ۱۳۹۷، ص ۴۷).

از سوی دیگر، در آموزش های دانشگاهی کشور برنامه خاصی برای پرورش روحیه پرسشگری و ایجاد حساسیت های سیاسی، اجتماعی و انسانی دانشجویان دیده نمی شود. لذا به لحاظ فرایندی، ایجاد تغییرات بنیادی در دو بخش اصلی آموزش، یعنی "فرایندهای یاددهی - یادگیری" و "دگرگونی نظام ارزشیابی آموزشی" ضروری است. تا روش "حل مسئله" جایگزین روش "توصیفی" فعلی نگردد و کتاب های درسی به شیوه مسئله محور طراحی نشوند، امکان تربیت نیروهایی که محور توسعه باشند وجود ندارد. همچنین، نظام ارزشیابی در دانشگاه ها شبیه نظام ارزشیابی مدارس است. دانشگاه های کشور مکان تجربه و آزمایش نیست و شرط مناسب و ویژه ای برای تحقیق در آن وجود ندارد. شرط اول استاد بودن در دانشگاه های پیشرفته آن است که خود استاد، پژوهشگر باشد و این در حالی است که فقط پنج درصد اساتید تحقیق می کنند و نود و پنج درصد دیگر به تدریس می پردازند. نکته جالب اینجاست که وزارت علوم نیز چندان عکس العملی نسبت به این معضل نشان نمی دهد و حتی آن را امری طبیعی به حساب می آورد (یمینی دوزی، ۱۳۹۷، ص ۴۷).

### ۳- تجربه های ملی و بین المللی در ارزیابی تضمین کیفیت آموزش عالی

هر چند سابقه ارزیابی دانشجویان را با تأسیس مراکز آموزش عالی می توان همزمان یافت، اما گردآوری منظم داده ها و اطلاعات و قضاوت درباره کوشش ها و عملکرد واحدهای آموزش عالی بر این پایه، امری به نسبت جدید است. تنها کشوری که نزدیک به یک قرن در این باره دارای سابقه است، امریکاست. در این کشور، در سال ۱۸۹۵ میلادی (۱۲۷۴ خورشیدی) کوشش برای اعتبارسنجی دانشگاه ها و مؤسسه های آموزش عالی آغاز شد. سپس از نیمه اول قرن بیستم، انجمن های منطقه ای، ملی یا تخصصی برای سنجش کیفیت

و قضاوت درباره صلاحیت مراکز آموزش عالی به ارزیابی و اعتبارسنجی برنامه‌ها، دوره‌ها یا دانشکده‌های تخصصی پرداخته‌اند.

کشورهای اروپایی در دو دهه گذشته از سال ۱۹۸۵ میلادی ارزیابی دانشگاهی را امری اجتناب‌ناپذیر یافتند. از این سال به بعد برخی از کشورها تا سال ۱۹۹۰ و برخی دیگر در دهه بعد و نیز گروهی در سال‌های اخیر ساز و کار ارزیابی را برای بهبود کیفیت آموزش عالی ایجاد کرده‌اند؛ از آن جمله می‌توان به کمیته ملی ارزیابی در کشور فرانسه ۱۹۸۵ میلادی و به نهاد تضمین کیفیت برای آموزش عالی (Quality Assurance Agency for Higher Education) در انگلستان، که در سال ۱۹۹۷ میلادی تأسیس شده، اشاره کرد. همچنین انجمن دانشگاه‌های اروپا، به عنوان نماد آموزش عالی اروپا (EUA, 2001) نهادی است که در سال ۲۰۰۱ با عضویت دانشگاه‌های اروپا در آن تشکیل شد. از جمله رسالت‌های این نهادها، یاری دادن به ایجاد ساز و کار تضمین کیفیت در دانشگاه‌های اروپاست. این نهاد، دانشگاه‌های داوطلب در کشورهای اروپایی را یاری می‌دهد تا به ارزیابی درونی خود بپردازند. سپس ارزیابی برونی دانشگاه داوطلب را سازمان می‌دهد و به قضاوت درباره کیفیت آنها می‌پردازد. مهم‌ترین اقداماتی که این انجمن برای بهبود کیفیت آموزش عالی به عمل می‌آورد، عبارت است از: یاری دادن به ظرفیت‌سازی برای مدیریت راهبردی در دانشگاه‌های اروپا از طریق انجام ارزیابی درونی و برونی.

در کشورهای در حال توسعه نیز کوشش‌هایی برای ارزیابی آموزش عالی صورت گرفته که می‌توان آن‌ها را بر طیفی قرار داد. در یک سوی این طیف، کشورهایی هستند که هنوز فرصت اندیشیدن درباره ارزیابی منظم برای بهبود کیفیت را به دست نیاورده‌اند. در طرف دیگر طیف کشورهایی را می‌توان یافت که نه تنها مراحل اولیه را طی کرده‌اند، بلکه به ساختارسازی برای ارزیابی و بهبود کیفیت در آموزش عالی رسیده‌اند.

در ایران اولین کوشش برای ارزیابی در آموزش عالی در سال ۱۳۷۵ خورشیدی آغاز شد. در این سال، طرح پیش - پژوهش ارزیابی درونی برای ارتقای کیفیت آموزش پزشکی

مورد تصویب هیات رئیسه وقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفت. سپس در سال ۱۳۷۶ در شش گروه آموزشی علوم پزشکی، طرح به اجرا درآمد (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹). با توجه به نتایج مثبت این طرح، دانشگاه تهران، به عنوان اولین دانشگاه غیرپزشکی، در بهار ۱۳۷۶ در یکی از جلسه‌های شورای دانشگاه، اجرای طرح ارزیابی درونی در گروه‌های آموزشی این دانشگاه را مورد توجه قرار داد. به همین منظور، شورای دانشگاه سال ۱۳۷۶ را سال نظارت و ارزیابی نام نهاد (بازرگان، ۱۳۷۶، ص ۳۹).

گزارش اولیه ارزیابی درونی در این گروه‌ها نشان می‌دهد که فرایند ارزیابی درونی نقش مؤثری در بهبود کیفیت در این گروه‌ها داشته است. نتایج حاصل از اجرای ارزیابی درونی در گروه‌های آموزشی بالینی و علوم پایه پزشکی نشان می‌دهد که ارزیابی درونی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت دانشگاهی داشته باشد. نظرسنجی از اعضای هیات علمی گروه‌هایی که ارزیابی درونی در آن‌ها انجام شده، حاکی از آن است که ارزیابی درونی می‌تواند آثار زیر را در پی داشته باشد: (بازرگان و همکاران، ۱۳۷۹)

الف) آشکار شدن و مورد توجه قرار گرفتن هدف‌های گروه آموزشی با مشارکت اعضای هیات علمی

ب) شناسایی کاستی‌ها و نارسایی‌های گروه‌های آموزشی و استفاده بیش‌تر از منابع موجود برای برطرف کردن آنها

ج) افزایش دلبستگی اعضای هیات علمی به گروه‌های آموزشی و تقویت همکاری میان آنها

د) مورد توجه قرار گرفتن فرهنگ شفافیت و پاسخگویی.

تاثیر مثبت ارزیابی درونی در دانشگاه‌های علوم پزشکی و سایر عوامل باعث شد که در تدوین برنامه سوم توسعه کشور، ارزیابی و ارتقای کیفیت آموزش عالی از طریق ارزیابی درونی و برونی مورد توجه قرار گیرد. از این رو در برنامه تحقیقات دانشگاهی (برنامه

سوم توسعه) کارآمد کردن نظام ارزیابی، سنجش و ارتقای کیفیت آموزش و پژوهش مدنظر قرار گرفت. برای همین منظور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور یک ردیف اعتباری را تحت عنوان «ارزیابی و اعتبارسنجی مؤسسات و دانش‌آموختگان، برگزاری آزمون‌های جامع و تخصصی سراسری» به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اختصاص داد.

تجربه‌های ساختارسازی برای نهادینه کردن ارزیابی آموزش عالی در کشورهای صنعتی و نیز کشورهای در حال توسعه، (Lim,2002) و کوشش‌های هفت سال گذشته ایران در ارزیابی کیفیت آموزش عالی نشان می‌دهد که در صورتی ارزیابی درونی و برونی می‌تواند در بهبود کیفیت مؤثر واقع شود که برای اجرای آن ظرفیت‌سازی شده باشد. برای این منظور لازم است شرایط زیر وجود داشته باشد (Lim,2002):

۱. بر اساس نیازهای واقعی، ارتقای کیفیت علمی دانشگاه‌ها استوار باشد و نه بخشنامه اداری؛
۲. اجرای ارزیابی بر مبنای الگویی ساده استوار باشد؛
۳. انتظارات از اجرای ارزیابی، واقع‌بینانه باشد؛
۴. منابع مادی و کالبدی مورد نیاز برای اجرای ارزیابی در حد امکان قابل دسترسی باشد؛
۵. قبل از اجرای نظام ارزیابی، رهبران و مدیران آموزش عالی به ضرورت استقرار نظام تضمین کیفیت پی برده و آمادگی خود را برای حمایت از آن اعلام کرده باشند؛
۶. اعضای هیات علمی در نظام یاد شده از آغاز طراحی تا استقرار آن در فرایندهای مربوط مشارکت داشته باشند؛
۷. نظام تضمین کیفیت آموزش عالی بر قوت‌ها و جنبه‌های مثبت واحدهای آموزش عالی مورد ارزیابی تاکید ورزد؛ نه این که فقط نارسایی‌ها و کمبودها را بزرگ‌نمایی کند؛

۸. به منظور ارج نهادن به گروه‌های آموزشی و واحدهای آموزش عالی که ارزیابی را انجام می‌دهند و در راه بهبود کیفیت خود تلاش می‌کنند، ساز و کار شناسایی و تحسین عملکرد برتر برقرار شده باشد؛

۹. نظام تضمین کیفیت آموزش عالی، علاوه بر این که باید به ساز و کار مناسب ارزیابی درونی باید مجهز شود، باید امکان انجام ارزیابی برونی را فراهم آورده باشد؛

۱۰. یک نهاد علمی، غیروابسته به تشکیلات اداری آموزش عالی، عرضه خدمات پشتیبانی ارزیابی درونی و برونی را بر عهده داشته باشد.

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که در سال‌های گذشته در ایران برخی از موارد لازم برای ایجاد نظام تضمین کیفیت مورد توجه قرار گرفته است؛ اما مهمترین آن ایجاد ساختار سازمانی لازم است که هنوز مورد توجه جدی قرار نگرفته است.

#### ۶- مهمترین چالش‌های فعلی و پیش روی نظام آموزش عالی کشور

برخی از چالش‌های کیفیت آموزش عالی ایران با استناد به پژوهشها و گزارشهای منتشر شده عبارتند از:

- ارزشیابی دانشجویان از کلاس درس و ابهام در رویه‌ها، شیوه‌ها و ابزارها و به کارگیری نتایج

- استقلال دانشگاهی، خود ارزیابی و خود حسابرسی در چالش با رویکردهای کنترل بیرونی دولتی

- تخصیص ناکارآمد منابع دولتی به دانشگاه‌ها

- تمرکزگرایی، تصدی‌گری و تعدد متولیان دولتی

- توجه نبودن و عدم مشارکت اعضای هیئت علمی در خصوص اهمیت و ضرورت ارزیابی و اعتبارسنجی در آموزش عالی

- رویکرد علمی و تخصصی به ارزشیابی و موانع ساختاری پیش روی آن
- سایه دستگاه دولت بر ارزشیابی و پروژه ناتمام ایجاد نهادهای واسط
- سایه عوامل سیاسی و ایدئولوژیک بر نظام حرفه ای - علمی و تخصصی
- ظهور رویکرد علمی به ارزیابی درونی و بیرونی آموزش عالی و چالش آن با رویکرد نظارت دیوان سالار
- عدم اختصاص امتیازات پژوهشی در قبال انجام ارزیابی درونی و بیرونی به اعضای هیئت علمی
- عدم استفاده از شاخص های مناسب، دقیق و کارا در ارزیابی از فرایندهای دانشگاهی و نبودن شواهدی دال بر اثربخشی آن در کیفیت آموزشی
- عدم اعتبارسنجی و بررسی کیفیت آموزش عالی به وسیله سازمان های حرفه ای (انجمن های علمی) با رویکردی مبتنی بر معیارهای اخلاق حرفه ای
- عدم انجام کامل ارزیابی درونی در دانشگاه ها
- عدم توانایی بازار کار در بخش دولتی و خصوصی در ارزش گذاری مدارک دانشگاهی
- عدم توجه به شایسته سالاری در مدیریت های دانشگاهی
- عدم توجه جدی به برنامه های درسی و عناصر آن که نقش انکارناپذیری در تحقق هدف های آموزش عالی و کیفیت آن دارند
- عدم توسعه و مشارکت نهادهای غیردولتی حرفه ای
- عدم وجود رقابت در دانشگاه به دلیل فقدان سازوکار منطقی و کارآمد جهت انتخاب مدیریت مؤسسات آموزش عالی
- عدم وجود رقابت در دانشگاه های ایران

- فعالیت‌های پراکنده درون دولت شامل: الف. آیین‌نامه ارتقا ب. آیین‌نامه قطب‌های علمی ج. شاخص‌های آموزش عالی و ه - تعاملات بین‌المللی در زمینه تضمین کیفیت
- فقدان ارزیابی بیرونی توسط هم‌تایان علمی
- فقدان آزمون‌های استاندارد نظام حرفه ای
- فقدان نشانگرها، شاخص‌ها و استانداردهای مورد توافق و معتبر
- فقدان نظام اطلاعات آموزش عالی
- کم توجهی به پاسخ‌گویی مؤسسات آموزش عالی با سیستم اعتبارسنجی
- کم توجهی به مسئولیت‌پذیری، مشارکت درون‌زا، انتقادپذیری مشترک و نبود فرهنگ خودارزیابی
- کمبود بودجه اختصاص‌یافته به گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها برای ارزیابی درونی و بیرونی
- گرایش دولت به پیوند ارزشیابی با اختیارات مرکزی
- ماهیت پنهان فرایند اعتبارسنجی، نبود شفافیت لازم در ارائه گزارش نتایج به عموم مردم، عدم توجه کافی به اصل مشتری محوری و شهروند محوری
- مشکل روش‌شناختی که به‌جای اندازه‌گیری واقعیت‌های آشکارشده، بیشتر به نظرسنجی می‌پردازد.
- مغفول ماندن شاخص‌های برون‌دادی کیفیت آموزش عالی به دلیل تمایل دولتی بر کنترل فرایندها و تحت تأثیر اقتصاد سیاسی نفتی
- میل پیوسته مترصد در سیستم دولت برای بازگشت به کنترل بیرونی و دیوان‌سالار
- نبودن ساختار سازمانی اعتبارسنجی در آموزش عالی

- وجود پدیده نادرست مدرک‌گرایی به دلیل تأکید بازار مشاغل بر مدارک عالی‌تر بدون توجه به کیفیت آن

- وجود تبعیض در استخدام بدون توجه به کیفیت دانش‌آموختگان

- وجود رانت در سیستم تخصیص منابع دانشگاهی ایران

به طور کلی پرسشهای بنیادین در ارزیابی راهبردی در سطح کلان ناظر به موارد زیر خواهد بود:

▪ آیا آموزش عالی توانسته است با بخش صنعت و خدمات، ارتباط واقعی برقرار نماید؟

▪ آیا آموزش عالی منجر به توسعه علمی کشور گردیده است؟

▪ آیا آموزش عالی منجر به گسترش فناوری در کشور شده است؟

▪ آیا آموزش عالی، فرصتهای برابر آموزش با کیفیت برای همه شهروندان فراهم آورده است؟

▪ آیا آموزش عالی کشور از مهاجرت نخبگان، جلوگیری کرده است؟

▪ آیا آموزش عالی به توسعه فرهنگی جامعه منجر شده است؟

▪ آیا آموزش عالی توانسته است نخبگان، متخصصان و نیروهای ایرانی خارج از کشور را جذب کند؟

▪ آیا آموزش عالی به توسعه اعضای هیئت علمی در دانشگاهها توجه داشته است؟

▪ آیا آموزش عالی توانسته است منجر به شکل‌گیری هویت‌های پویا و برنامه‌ساز در اعضای هیئت علمی در دانشگاهها گردد؟

- آیا آموزش عالی منجر به گسترش کارآفرینی و اشتغال زایی در جامعه گردیده است؟
- آیا آموزش عالی منجر به توسعه اخلاق علمی و حرفه ای در جامعه دانشگاهی بوده است؟
- آیا آموزش عالی در توسعه رشته های میان رشته ای موفق بوده است؟
- آیا آموزش عالی در توسعه کیفیت، پاسخگویی و شفافیت فعالیتهای آموزش عالی موفق بوده است؟
- آیا راهبردهای طراحی و تدوین شده در سطح وزارتخانه (در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ...) از یک فرایند خلاقانه و اکتشافی، بهره برده است؟
- آیا راهبردهای طراحی و تدوین شده در سطح وزارتخانه (در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ...)، بر مبنای فرایند دقیق الگویابی (بهینه یابی) انجام گرفته است؟
- آیا راهبردهای طراحی و تدوین شده در سطح وزارتخانه (در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ...) در یک جو مشارکتی و با بهره گیری از متخصصان (مبتنی بر حرفه گرایی) صورت گرفته است؟
- آیا راهبردهای طراحی و تدوین شده در سطح وزارتخانه (در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ...)، بر مبنای دانش و خردورزی بوده است؟
- آیا راهبردهای طراحی و تدوین شده در سطح وزارتخانه (در حوزه های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و ...)، بر مبنای یک جریان بالنده، پویا و مستمر بنا شده است؟

#### ۷- جمع بندی

جامعه ما بدون تثبیت آمادگی های لازم و در شرایط درونی نامناسبی، به جهانی در حال دگرگونیهای عمیق پارادیمی و ساختاری و دورانی پرتاب شده است. عواملی مانند انفجار

اطلاعات، توسعه ارتباطات، انقلاب الکترونیک، تحولات مفهومی در نظامهای قدرت و ثروت و تغییرات بنیادین فرهنگی، جوامع انسانی را در معرض تحول سریعی قرار داده است. اما در چنین دوره ای حساس و پرشتاب، متأسفانه ما با موانع بازدارنده جدی از درون دست به گریبانیم. امروزه نه تنها وسایل نیل به اهداف، پی در پی تغییر پیدا میکنند، بلکه خود اهداف نیز مرتب باز تعریف می شوند. ولی ما همچنان به درک سطحی از اهداف، و به شیوه های منسوخ، توسل می جوئیم. آموزش عالی در دنیا در حال دگرگونیهای ژرفی است. برنامه های آموزشی و پژوهشی، در حال تحول هستند. آنها مرادوات محیطی و قابلیت انعطاف و مسأله گرایی خود را روز به روز بیشتر می کنند. نقش نهادهای غیردولتی در آموزش عالی افزایش می یابد. دانشگاه ها روز به روز احساس می کنند که باید بیش از پیش برون گرا و پاسخگو به جامعه بشوند. فرایندهای در حال رشد جهانی شدن و آزاد شدن و فناوریهای اطلاعات و ارتباطات سبب شده است که دانشگاه ها به عنوان نهادهای تفکر و معنا، از قیومت دولت ها بیرون بیایند و با جامعه و جهان اجتماعی ارتباط داشته باشند. این در حالی است که دانشگاه های ما از موقعیت مساعد و شانس لازم برای همراه ساختن مبتکرانه و خلاق خود با آهنگ تحولات پیشرو و جهانی برخوردار نیستند. چون مدیریت آنها فضای کاری آنها تحت تأثیر شرایط و وضعیت کلان کشور است. دانشگاه ها در قرن بیست و یکم با مسائل مهمی مانند تناسب با نیازهای نوپدید جامعه، کیفیت و مطابقت با استانداردهای جهانی و همکاری بین المللی به صورتی هوشمندانه مواجه می شوند. اما آموزش عالی ما از جهات بسیاری در چنین زمانه متحولی، دچار پس افتادگی شده است. دانشگاهها نمی توانند تحت قیومت حکومتها با قافله سریع یادشده همراهی بکنند. دولت، یک حامی عمومی برای دانشگاه و مخاطب و مشتری آن و دوست آن شناخته میشود نه مداخله گر و آقابالاسر. آموزش عالی و علم در دنیای امروز نه یک کالای تجملاتی بلکه کالایی ضروری و شبه عمومی است،

اما در جامعه ما جایگاهی حاشیه ای دارد. در زندگی مبتنی بر دانش، دانشگاه فقط یک نهاد خاص و یک پردیس محدود نیست. دانشگاه به معنای ساختمان و فضا و مکان متمایزی نیست، دانشگاه حسب تولید فکر و معنا و ظرفیت های مشاوره تخصصی و خدمات علمی و فنی، در همه بخشها حضور و مشارکت دارد، هر جا فکر و دانش هست، هر جا یک بسته اطلاعاتی (به صورت ذهن، کتاب، نرم افزار و ...) به کار می آید، هر جا که دانش آموخته و متفکر و متخصصی مورد نیاز است؛ در کارخانه، بازار، خدمات، بیمارستان، مدیریت، برنامه ریزی، فرهنگ و محیط زیست و در درون خود دولت، هر جا و هر وقت که نیاز به دانش و معنا هست (که همه جا و همه وقت نیز چنین است) دانشگاه نیز همان جا باید باشد.

#### ۸- نتیجه گیری

با این اوصاف اصلاح یا تغییر و نوآوری در نظام ارزیابی و تضمین کیفیت در آموزش عالی کشور، نیازمند تحلیل راهبردی و بررسی دقیق و عمیق سیاستها و برنامه های کلان دولتها و شناسایی چالشها و فرصتهای آنها در سطوح مختلف آموزش عالی است. ارزیابی راهبردی در نظام آموزش عالی به مدیران در سطح وزارتخانه کمک می کند تا به بررسی و مطالعه سیاستگذاریها و تصمیمات کلان خود بیندیشند و تأثیر اقدامات خود را در سطوح مختلف آموزشی، پژوهشی و فناوری نظاره گر باشند. دانشگاه فقط به پشتوانه استقلال، خودگردانی و آزادیهای آکادمیک و با مدیریتهای مستقل حرفه ای و از طریق همکاری های آزاد بین المللی است که می تواند این رسالتها را بر عهده بگیرد و جوابگوی به جامعه بشود و در امحای فقر، بیسوادی، گرسنگی، آسیبهای اجتماعی، بی هنجاری، بیگانگی، ترس واضطراب، بیماری، عدم مدارا، خشونت و زوال محیط زیست و غیر آن، مشارکت

جدی و نقش مؤثر ایفا بکند. در مجموع بهترین راهکارها برای بهبود کیفیت در نظام آموزش عالی را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- باز تعریف مرتب اهداف نظام ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی کشور
- ۲- افزایش نقش نهادهای غیردولتی در نظام ارزیابی و تضمین کیفیت آموزش عالی کشور
- ۳- ایجاد و توسعه دانشگاههای برون گرا و پاسخگو به جامعه
- ۴- خارج کردن دانشگاه ها به عنوان نهادهای تفکر ومعنا، از قیومت دولت ها به عنوان نهاد مداخله گر و آقابالاسر
- ۵- ارتباط بیش از پیش دانشگاه ها با جامعه و جهان اجتماعی و همکاری بین المللی به صورتی هوشمندانه
- ۶- همراه ساختن مبتکرانه و خلاق دانشگاه ها با آهنگ تحولات پیشرو و مطابقت با استانداردهای جهانی
- ۷- مواجهه و تناسب با نیازهای نوپدید جامعه

### منابع و مأخذ

- ۱- بازرگان، عباس (۱۳۸۲)؛ سخن سردبیر، خبرنامه انجمن پژوهش های آموزشی ایران شماره ۹
- ۲- بازرگان، عباس (۱۳۸۲)؛ حسینی، رسول؛ ساخت و اعتباریابی ابزار اندازه گیری هدف های دانشگاهی برای ارزیابی درونی ۳- گروه های آموزشی، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی
- ۴- بازرگان، عباس (۱۳۹۷)؛ ارزشیابی آموزشی، مفاهیم، الگوها و فرایند عملیاتی، تهران، انتشارات سمت

۵- بازرگان، عباس؛ مقصود فراستخواه (۱۳۹۸)؛ نظارت و ارزشیابی در آموزش عالی، تهران، انتشارات سمت

۶- بازرگان، عباس (۱۳۹۸)؛ ارزیابی کیفیت در آموزش عالی ایران از اندیشه تا عمل، تهران، انتشارات سمت

۷- بازرگان، عباس و همکاران (۱۳۷۹)؛ رویکرد مناسب ارزیابی درونی برای ارتقای مستمر کیفیت گروه‌های آموزشی در دانشگاه‌های علوم پزشکی. مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، دوره جدید، جلد ۱- ۲۶

۸- بازرگان، عباس (۱۳۷۶)؛ ارزیابی درونی دانشگاهی، اخبار دانشگاه تهران، شماره ۲، تابستان ۷۶.

۹- بازرگان، عباس (۱۳۸۲)؛ ظرفیت‌سازی برای ارزیابی و ارتقای کیفیت نظام آموزش عالی (تجربه‌های بین‌المللی و ضرورت‌های ملی در ایجاد ساختار مناسب)، مجله مجلس و پژوهش سال دهم زمستان ۸۲ شماره ۴۱

۱۰- خورسندی طاسکوه علی (۱۳۸۶)؛ نظام ارتباطی آموزش در ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

۱۱- شرف زاده بردر، محمد (۱۳۸۴)؛ انقلاب فرهنگی در دانشگاه های ایران؛ پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی تهران

۱۲- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). بررسی تأثیر فرایند ارزیابی درونی بر برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت گروه‌های آموزشی دانشگاهی؛ تحلیل مقایسه‌ای از نظر اجرا یا عدم اجرای ارزیابی درونی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۹.

۱۳- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۷). بررسی وضع موجود و مطلوب ارزیابی نظام علمی در ایران با تأکید بر بخش آموزش عالی، فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره ۲، صفحات ۵۸-۴۳.

۱۴- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۷)؛ کیفیت در آموزش عالی، انتشارات سمت، تهران

14- Bazargan, A; Globalization and Higher Education; The Role of Accreditation and Quality Assurance Mechanisms at the National and International Symposium –cum-

workshop: Sustainable Resource: Local Structures and Globalization, Tehran 14 – 18 September, 2003, GLAN/ University of Tehran.

15- Bazargan, A; Measuring Access to Higher Education and Higher Education Quality: A Case Study from Iran. *Prospects*. Vol. XXXIII (3): 365 – 371, 2002

16- Conference of Heads of Irish Universities (CHIU); A Framework for Quality in Irish Universities (Meeting the Challenge of change) Dublin: CHIV ... 2003

17- Council for Higher Education Accreditation (CHEA). A, Glossary of Key Terms in Quality Assurance and Accreditation. Washington D.C: CHEA.... 2002.

18- European University Association (E.U.A); EUA Strategy and Guidelines for Action. (Geneva, EUA). 2001.

19- International Network for Quality Assurance Agencies in Higher Education (INQAAHE). (2003) Quality Assurance Agencies. Dublin: Higher Education and Training Awards Council (Paris) International Association of University Presidents.

20- Lim, D. Quality Assurance in Higher Education (A Study of Developing Countries). Aldershot, U.K: Ashgate Publishing, 2001.

21- Meade, P; Evaluation of Research and Scholarship Paper Presented at (workshop II) The INQAAHE. Biennial Conference, 14 – 17 April, 2003. Dublin, Ireland.

22- Wood house, D. Quality Improvement through Quality Audit. *Quality in Higher Education* g (2): 133-140. 2003.

23- World Bank, Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education Washington, D. C: World Bank., 2020.